

بحران ساختگی

(داستان ناگفته‌ی

هراس از پرونده‌ی هسته‌ای ایران)

مکرت بود تو

ترجمه‌ی بهزاد شامی

علی پاک سرشت

سرشناسه	:	پورتر، گرهت - م. ۱۹۴۲	porter, Gareth
عنوان و نام پدیدآور	:	داستان ناگفته ی هراس از پرونده هسته ای ایران / گرت پورتر، ترجمه ی بهزاد شاهی، علی پاک سرشت	
مشخصات نشر: تهران	:	سیمای پارسا - ۱۲	
مشخصات ظاهری	:	۵۱۱ ص، ۱۴۱۳۲۱۵ س	
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۲۷-۳-۱	
وضعیت فهرست نویسی	:	فینا	
یادداشت: عنوان اصلی	:	manufactured crisis: the untold story of the iran	
nuclear scare, c2014	:		
عنوان دیگر	:	داستان ناگفته ی هراس از پرونده هسته ای ایران	
موضوع	:	سلاح های هسته ای، امنیت ملی، جنبه های استراتژیک، سیاست و حکومت، سیاست نظامی، ایالات متحده، روابط خارجی	
موضوع	:	nuclear weapons, national security - middle east, strategic aspects, politics	
iran - governments, iran - military policy, united states - military policy, united states - foreign relations - iran	:		
شناسه افزوده	:	شاهی، بهزاد، مترجم	
شناسه افزوده	:	پاک سرشت، علی ۱۳۵۵ - مترجم	
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۵ ۹۹۹۰۲۶۴/۵ U264	
رده بندی دیویی	:	۳۵۵/۰۲۱۷۰۹۵۵	
شماره کتابشناسی ملی	:	۴۳۵۲۸۰۸	

به سفارش چهاردهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت

بحران سیاسی

(داستان ناگفته‌ی هراس از پرونده هسته‌ای ایران)

گرت پورت

ترجمه‌ی: بهزاد شاهی و علی پاک سرشت

صفحه‌آراء: زینحانه اقرار

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵، شمارگان: ۲۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۲۷-۳-۱

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ اردیبهشت،

جنب بازارچه کتاب، بن‌بست مبین، پلاک ۳

تلفن: ۶۶۵۶۴۹۸۴

فهرست

۱	دیباچه
۱۹	پیشگفتار
۲۱	ژئوپولیتیک و اخلاق
۲۹	مقدمه

سیاست ممانعت ایالات متحده و عواقب آن

۲۸	برنامه‌ی اتمی اولیه‌ی ایران
۵۱	تحریم هسته‌ای آمریکا و واکنش ایران
۶۲	استفاده از گروه ارائه‌دهندگان فناوری اتمی
۷۰	عواقب سیاست ممانعت
۷۳	سیاست مخفی‌کاری اتمی ایران
۸۴	هجده سال غنی‌سازی مخفیانه؟

برنامه‌ی غنی‌سازی تا چه اندازه محرمانه بوده است؟

۱۰۳..... مسئله‌ی چینی

سیاست‌های هسته‌ای ناشناخته‌ی ایران

۱۱۳..... ایران و سلاح‌های شیمیایی

۱۲۳..... فتوای هسته‌ای خامنه‌ای

۱۳۹..... بازداشت‌های پنهان

۱۴۴..... برگ برنده

۱۵۰..... نقش نا یونانیم (آلی گرایبی) ایرانیان

ریشه‌های سیاسی ترس هسته‌ای ایالات متحده

۱۵۹..... فرصت به دست تهران

۱۸۳..... کلینتون و ایران: گسست روح‌ای هسته‌ای به علاوه‌ی اسرائیل

خاستگاه سیاسی هراس هسته‌ای اسرائیل

۲۰۳..... رابین، خالق تهدید هسته‌ای ایران

۲۱۶..... نتانیاهو تهدید ایران را رها می‌کند

۲۳۰..... نتانیاهو به جبهه‌ی تهدید علیه ایران باز می‌گردد

تغییر رژیم با تکیه بر دیپلماسی

۲۳۹..... دولت بوش و تغییر نظام

۲۴۶..... دخالت دیپلماتیک اروپا

۲۵۴..... شگرد عکس‌های ماهواره‌ای بولتون

۲۶۰..... بازرسی پارچین توسط آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای

۲۶۵..... تحت کنترل قرار گرفتن اروپایی‌ها توسط رایس

آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، بی‌نتیجه ماند

۲۷۷..... آلودگی، تدارک و ساترفیوژها

۲۸۸	مدارک فلز اورانیوم و آزمایش‌های پلوتونیوم
۲۹۵	پلوتونیوم-۲۱۰ و معدن گچین
۲۹۸	دستور کار
۳۱۲	تحت فشار قرار دادن البرادعی

رمز و راز اسناد لپ‌تاپ

۳۲۱	یک کروبال ایرانی؟
۳۲۸	دلایل شک و تردید
۳۳۳	ساخته‌ی ثبت‌شده‌ی قلب
۳۴۰	سرنخ‌هایی از اسرائیل
۳۴۶	دام اولی، یونون

شکست‌های اطلاعاتی

۳۶۶	معکوس کردن مسیر اشیات: سلاح‌های شیمیایی و زیستی
۳۷۳	اطلاعات ایران که سازمان سیا پنهان کرد
۳۷۹	عامل مرکز کنترل تسلیحات
۳۸۷	تحریف یک ارزیابی دیگر: ۲۰۰۷

بمب فانتوم، محفظه‌ی آزمایش در پارچین

۴۰۶	اسناد اسرائیلی بیشتر
۴۱۴	محفظه‌ی آزمایشی بمب فانتوم
۴۲۱	تبدیل دینکو به معلم آزمایش هسته‌ای ایران
۴۲۸	پارچه‌های صورتی در پارچین

بحران جنگ ساختگی

۴۴۱	نتانیاهوی آخرالزمانی
۴۴۵	شگرد جنگی اوپاما و نتانیاهو
۴۵۲	نتانیاهو و باراک در حاشیه
۴۵۶	بحران جنگی جدید نتانیاهو

روتین "پلیس خوب، پلیس بد".....	۴۶۲
مانور ننانیاهو شکست می خورد.....	۴۶۸
خاتمه.....	۴۷۵

ضمائم

مصاحبه رضا منتظمی، کارشناس اروپا و آمریکا با گریس پرتو روزنامه نگار و نویسنده آمریکایی	
بخش ۱: موضوع هسته‌ای.....	۴۸۳
بخش ۲: تحولات خاورمیانه.....	۴۹۹

اهمیت کتاب - مجال برانگیز بحران ساختگی، اثر گرث پورتر به عنوان خبرنگار مشهور و برنده جوایز بین المللی دفاع از پرونده هسته‌ای ایران نیست، بلکه افشاگری وی درباره نفوذ و دستبردگذاری اسرائیل و شبکه لابی‌های صهیونیستی در آمریکا علیه ایران از اینجاست. این وجه کتاب گرث پورتر که نقد تند وی در برابر نفوذ لابی اسرائیل علیه ایران در پرونده هسته‌ای است، بسیار مهم‌تر از دفاع وی از کشورش است. این نگاه منشاء و علانمی از بروز مهم‌ترین تحولات و تغییرات داخلی آمریکاست. تغییراتی که با پرونده هسته‌ای ایران و مذاکرات هسته‌ای که این روزها بین ایران و ۵+۱ جریان دارد در حال شکل‌گیری است. دوقطبی شدن آمریکا به دو جریان طرفدار اسرائیل و مخالفان لابی اسرائیل که کنگره، سنا، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، اس‌اید و خبرنگاران را در بر می‌گیرد، تا کنون در آمریکا بی‌سابقه بوده است. ایران چنین نقش بزرگی را در درون آمریکا برای تضعیف لابی‌های صهیونیستی بازی می‌کند. این امر مهمی است که به موازات چالش بزرگ ایران با شبکه لابی‌های اسرائیل، نفوذ ایران در ایالات متحده به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است.

اکنون کاخ سفید به تدریج مواضع شدیدتری در مقابل طیف حامی آپیک و تندروهای افراطی طرفدار اسرائیل اتخاذ می‌کند. به نظر می‌رسد این روند از

شدت و غلظت بیشتری برخوردار شود. این روند تا آن‌جا طیف‌ها و لایه‌های اجتماعی و به‌ویژه جریان‌های درون حاکمیت و بالاترین رده‌های یهودیان آمریکا را دچار دودستگی کرد که حتی جرج سوروس میلیاردر آمریکایی مجارستانی‌الاصل، میلیاردها دلار صرف حمایت از سیاست‌های میانه‌رو در مخالفت با آیه‌یک صرف کرد، تحول شگفتی است، که ایران عامل اصلی آن بوده است. این در حالی است، آن‌گونه که جیمز پتراس مهم‌ترین نظریه‌پرداز و رئیس‌جمهور آمریکایی که به‌دقت آرایش نیروهای تندرو و افراطی و جنگ‌طلب طرفدار اسرائیل در دوران بوش پسر در وزارت دفاع، کاخ سفید و دفتر طرح‌های ویژه‌شان می‌دهد، افراطی‌ترین و جنگ‌طلب‌ترین نیروها مانند ریچارد پریل، ابراهام فولدکی، رامسفیلد، پل وللفوویتز و داگلاس فیث در دولت بوش جمع شده‌اند. این‌ها سرعت در دولت اوباما به حاشیه رانده می‌شوند. در جمع مشاوران و نیروهای کاخ سفید، کسانی روی کار می‌آیند که صهیونیست‌ها نسبت به آن‌ها موضع دارند. تا حدودی که در دوره دوم اوباما چاک هگل به‌عنوان وزیر دفاع شروع به کار کرد که صهیونیست‌های تندرو که امروز با مذاکرات هسته‌ای مخالفت می‌کنند، علیه چاک هگل اظهارات کردند، چاک هگل کسی بود که در دوران سناتوری خود هیچ لایحه ضد اسرائیل را امضاء نکرده و موضع طرفدار اسرائیلی روشن نداشت. حتی در یکی از اظهارات مشهور خود اشاره کرده بود که وی نماینده آمریکاست، نه نماینده اسرائیل. این وزیر دفاع با فشارهای شدید تندروها نهایتاً از کار برکنار شد. مواضع به‌دین او در دفاع از مذاکرات هسته‌ای ایران با طرف‌های غربی روشن می‌کند که از چگونگی با صهیونیست‌های تندرو درگیر بوده است.

این همه علائمی است که نشان می‌دهد که شکاف جدی و واقعی در آمریکا شروع شده است که مذاکرات هسته‌ای ایران، در حال تبدیل کردن آن به یک شکاف عمیق و یک دوقطبی جدی است.

به هر حال تصویب توافق هسته‌ای با ایران یا رد آن می‌تواند مهم‌ترین سنجش برای موفقیت یا شکست دوران ریاست جمهوری اوباما باشد. پاسخ را ظرف چند ماه آینده خواهیم فهمید.

طبق مستندات، گرث پرتز نشان می‌دهد که ترس و تهدید اتمی که از ایران در جهان ایجاد کرده‌اند، ساختگی است. اما نکته مهم و کلیدی در پرونده و مذاکرات هسته‌ای این است، که این مذاکرات تبدیل به فرایندی شده است که جریان نند و شبکه بین‌المللی صهیونیستی در آمریکا با چالش جدی مواجه شوند. جریان وطن‌پرست درون حاکمیت آمریکا به خوبی از روند هسته‌ای ایران در مقابل تند رهای بازدار اسرائیل در حال بهره‌برداری است.

استون والت پیش از در مقاله مهم در طول یک سال و نیم مذاکرات هسته‌ای در انتقاد از لابی طرفدار اسرائیل در کنگره و درون سیستم آمریکا منتشر کرد. او مأموریت داشت که انتقال از لابی اسرائیل را به یک بحث سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای در داخل آمریکا تبدیل نماید، که این اتفاق بزرگ با شروع مذاکرات هسته‌ای ایران با ۱+۵ روی داد و لابی صهیونیستی در آمریکا ناگزیر شد با تمام کارت‌ها و ظرفیت‌های خود وارد بازی شود. این الزام، صهیونیست‌ها را در شرایط بدی قرار داد، به نحوی که مخالفت و انفعال از شبکه صهیونیستی از سایت‌ها، مجلات و نشریات تخصصی به رسانه‌های رسمی آمریکا کشیده شد.

به نظر می‌رسد، با این روند که پیش می‌رود جریان مخالف شبکه لابی‌های صهیونیستی بتوانند تندروهای طرفدار اسرائیل در آمریکا در پرده هسته‌ای ایران با چالش جدی مواجه نمایند. اگر پرونده هسته‌ای ایران ساختگی است، بدون تردید پس از توافق موضوعات حقوق بشر، تروریسم و بازیگر بد در منطقه محورهایی است که علیه ایران ادامه پیدا خواهد کرد. پس تیم مذاکره کننده ایران و به تبع آن وزارت امور خارجه کشورمان در طرح A مذاکرات را دنبال می‌کند اما همزمان ضرورت دارد با طرح B طراحی تضعیف لابی اسرائیل

را در آمریکا با استفاده از پرونده هسته‌ای دنبال نماید. زیرا چالش امنیتی ایران با صهیونیست‌هاست. شبکه صهیونیستی، بزرگ‌ترین تهدید علیه ایران است. تضعیف و مهار صهیونیست‌ها در غرب که اکنون بیش از هر زمانی شرایط آن فراهم شده است، بزرگ‌ترین دست‌آورد وزارت امور خارجه می‌تواند باشد.

تضاد داخل جامعه آمریکا با صهیونیست‌ها روی پرونده هسته‌ای روندی دارد که به‌صورت طبیعی اتفاق افتاده و به رسانه‌ها کشیده شده است، اما مذاکرات ایران و غرب در این پرونده ظرفیت این را دارد که وزارت امور خارجه به‌صورت سرفه‌ای موضوع زدن طرفداران تندرو اسرائیل را در داخل آمریکا مطرح کند. موضوعی که به‌سرعت باید با روش‌های نرم، دیپلماسی عمومی، عملیات روانی و رسانه‌ای در دستور کار دستگاه دیپلماسی کشور قرار گیرد.

این‌که گرث پورتر زبان می‌دهد که اسرائیل تنها عادل ایجاد بحران جهانی علیه پرونده صلح‌آمیز هسته‌ای ایران است، او به‌تنهایی بیش از نهادهای مختلف ایران در چالش با لابی‌های اسرائیل کار کرده است. زیرا وی صهیونیست‌ها را که بزرگ‌ترین تهدید امنیتی ایران هستند، را به چالش کشیده است. زیرا این پرونده‌ی صلح‌آمیزی است که لابی‌های صهیونیستی به‌علت کنترل مراکز تصمیم‌گیری، سیاسی، مالی و رسانه‌های غرب، ایران را به‌نوان یک تهدید برای صلح جهانی معرفی کردند.

این کتاب نشان دهنده آغاز و علامت بسیار مهمی از تغییر فضای رسانه‌ای و سیاسی بر ضد اسرائیل و در عین حال طرفداری از ایران در صحنه داخلی آمریکا بود. شکست اسرائیل از جریان مقاومت در منطقه به رهبری ایران پایان کار نبود، بلکه آغاز تحمیل تحریم‌های سنگین و گسترش ابعاد فشارهای سیاسی و بین‌المللی بر ایران بود. تحریم‌ها و فشارهایی که از سوی لابی اسرائیل در آمریکا علیه ایران هدایت و مدیریت می‌شود، لذا شکست اسرائیل در منطقه باید

با شکست لابی‌های اسرائیل در اروپا و آمریکا تکمیل شود، در غیر این صورت ایران در کلیت مبارزه بزرگ جهانی با صهیونیست‌ها شکست خواهد خورد. این نکته کلیدی و راهکار پیروزی در این نبرد است.

ارزش کتاب پورتر در این نکته کلیدی نهفته است که لابی اسرائیل در آمریکا را به‌عنوان عامل همه فشارهای بین‌المللی علیه ایران، در حرکت و جریان رسانه‌ای، خبری و تحلیلی غرب مورد توجه قرار می‌دهد. این اتفاق جدید در آمریکاست که نشان از تغییرات جدی در جهت‌گیری فضای رسانه‌ای و سیاسی در واکنش به لابی اسرائیل در آمریکا دارد. تحولات بعدی و واکنش وسیع رسانه‌های آمریکا علیه مواضع جمهوری‌خواهان تندرو وابسته به لابی صهیونیستی ایران را به موقعیت برتر نسبت به صهیونیست‌ها در آمریکا قرار داد و کل فضای افکار عمومی را نسبت به ایران تلطیف کرد. این اولین بار بود که ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در عرصه داخلی آمریکا و به تبع آن اروپا در شرایط بهتری نسبت به لابی اسرائیل در غرب قرار گرفت. تا جایی که ۴۳ سناتور جمهوری‌خواه که نامه‌ای به مقامات ایران را منتشر کردند، به‌عنوان خائنین، در رسانه‌های آمریکا معرفی شدند. این فضا می‌تواند در راستای طرح کلی ضربه زدن به لابی اسرائیل در آمریکا مورد توجه قرار گیرد. حرکتی که باید به‌سرعت در دستور کار دستگاه دیپلماسی کشور قرار گیرد.

پورتر در این کتاب با استناد به صدها ساعت مصاحبه اختصاصی با مقامات امنیتی، اطلاعاتی، سیاسی و کارشناسان درگیر در پرونده هسته‌ای ایران، تلاش برای جایگزینی تهدید اتحاد جماهیر شوروی و پس از آن در دوام جورج بوش، تغییر نظام در ایران را اصلی‌ترین دلایل سندسازی‌های آمریکا و اسرائیل برای ایجاد بحرانی ساختگی، می‌داند. پورتر در این کتاب به سیاست خصمانه اسرائیل و نومحافظه‌کاران آمریکا علیه ایران می‌پردازد. وی تأکید می‌کند که حداقل از سال ۱۹۹۰، تغییر رژیم هدف اصلی سیاست خارجی آمریکا و

اسرائیل بوده است.

این خبرنگار آمریکایی به‌روشنی نشان می‌دهد که در پروژه قرن جدید آمریکا که سند مربوط به آن و سیاست‌های این پروژه توسط نومحافظه کاران در پایان دوره تصدی حکومت کلinton تنظیم گردید، سیاست براندازی ایران نیز در آن پروژه دیده می‌شود. همان‌طور که حکایت سلاح‌های کشتار جمعی به بوش و دیک چنی کمک کرد تا به عراق حمله کنند، پورتر تأکید می‌کند آن‌ها به بهانه رسانی برای حمله نهایی به ایران احتیاج داشتند. پورتر براساس چندین سال پروهش مستقیم نشان می‌دهد که بسیاری از ادعاهای مقامات غربی در خصوص این که ایران چندین سال است برنامه تولید سلاح هسته‌ای را دنبال می‌کند، بی‌پایه و اساس هستند و در بسیاری از موارد به‌طور آشکار اسناد ارائه شده، جعلی می‌باشد. بیشتر رسانه‌های آمریکا این ادعاها را تأیید و تقریباً بدون هیچ‌گونه نقدی، طوسی‌وار این خط تبلیغاتی را تکرار کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که بیشتر آمریکایی‌ها نیز این ادعاها را پذیرفته‌اند.

کتاب بحران ساختگی، نگاه جدیدی به فناوری هسته‌ای ایران و تفکری که پشت آن قرار دارد، ارائه می‌دهد. نگاه وی شامل این واقعیت است که مقامات روحانی ایران بر مبنای آموزه‌های اسلامی همواره بر تولید و بهره‌گیری از هرگونه سلاح کشتار جمعی مخالفت نموده‌اند. پورتر با اثبات نشان می‌دهد که چگونه اجزاء کلیدی استادی که ادعا می‌شود نیت ثارت‌بار ایران را اثبات می‌کند از سوی منابعی غیر قابل اعتماد و خودمحور، جعل شده‌اند. همان‌طور که منبع غیر معروفی به‌نام "کروبال" اقدام به انتشار اطلاعاتی در خصوص ادعاهای کاملاً غیر واقعی در مورد عراق نمود و برای تسریع فرآیند حملات ایالات متحده به عراق مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

پورتر پیش‌بینی می‌کند، مذاکرات با موانع زیادی برخورد خواهد کرد. او این گمان را بر اساس تقاضای "سیاسی" توقف غنی‌سازی از سوی آمریکا می‌داند.

تا به این وسیله مذاکرات هسته‌ای را از مسیر خود خارج کند. همزمان با آغاز تدوین توافق‌نامه جامع در مورد برنامه هسته‌ای و تحریم‌های غربی به‌دست دیپلمات‌ها در وین، مقامات آمریکایی مترصد ارائه طرح تقاضای کاهش شدید توانمندی‌های غنی‌سازی ایران بودند. این پیش‌بینی شامل فشارها و نفوذ لابی اسرائیل از طریق کنگره می‌شود که به‌نحوی مذاکرات را از مسیر خارج کرده و با مانع‌تراشی مذاکرات را به بن‌بست بکشاند.

به‌رای نشان دادن نفوذ لابی اسرائیل در به بن‌بست کشاندن مذاکرات هسته‌ای اشاره و تأکید می‌کند که یکی کار علامت به بن‌بست کشاندن مذاکرات این است که آمریکا خواست اسرائیلی‌ها مبنی بر وارد کردن موشک‌های ایران در گفتگوهای هسته‌ای را می‌پذیرد. او تأکید می‌کند که اصرار دولت اوباما بر این‌که دولت ایران برنامه موشک‌های بالستیک خود را وارد مذاکرات موافقت‌نامه جامع هسته‌ای نماید، وضع آمریکا را در راستای موضع‌گیری اسرائیل و سناتورهای قرار می‌دهد. لابی‌های را تقدیم مجلس کردند که گروه لابی اسرائیلی آپیک با هدف نابودی تحریمات تنظیم نموده بود.

گرث پورتر پرده از همکاری و خیانت اعراب در همکاری با اسرائیل و شبکه صهیونیستی در آمریکا نیز بر می‌دارد. او می‌گوید که کارگزارهای جاسوسی عربی در اوایل دهه ۱۹۹۰ سعی داشتند بر سر راه یک از تلکس‌هایی که از یکی از دانشگاه‌های ایران به موسسات تکنورریک خلیج فارس می‌مخابره می‌شد، قرار گیرند. تحلیل‌گران اعتقاد داشتند که در آن زمان نخستین نشانه‌ها از وجود ابعاد نظامی در برنامه هسته‌ای ایران را مشاهده کرده‌اند. این گزارش‌ها سبب ارزیابی عوامل جاسوسی اسرائیل و آمریکا شد و بر این اساس این‌گونه وانمود کردند که ایران به‌صورت مخفی به دنبال سلاح هسته‌ای است. این اولین موج قوی رسانه‌ای بود که از سال ۱۹۹۰ به‌صورت جعلی نظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران را بر روی تلکس‌های خبرگزاری‌های جهان برد. وی تردیدی

باقی نمی‌گذارد تا ثابت کند که از این پس بود که حرکت سرویس‌های جاسوسی اسرائیل با همکاری اعراب بر اساس یک برنامه جعلی فضای خبری جهت‌داری ایجاد نمایند تا برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران به برنامه سلاح هسته‌ای ایران تعبیر گردد.

پورتر به اهمیت و نقش رژیم اسرائیل درباره انتشار اخبار کذب در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران و تحریف واقعیت‌های محض این پرونده تأکید می‌کند که اسرائیل تنها رژیمی در جهان است که فعالانه در انتشار اسناد دروغین درباره برنامه هسته‌ای ایران می‌کوشد. این رژیم، اداره‌ای را به همین منظور در آژانس اطلاعات خارجی خود تأسیس کرده است که وظایف تاثیرگذاری بر تصور دیگر کشورها درباره برنامه هسته‌ای ایران دنبال می‌کند. بر این اساس، اسرائیل در نوامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، اطلاعاتی را در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داده بود که بعداً مشخص شد دروغ بوده‌اند.

این روزنامه‌نگار آمریکایی با ابراز تألم از این که دولت "اوباما" تاریخچه واقعی برنامه هسته‌ای ایران را نادیده گرفته و موضع‌گیری خود در این باره را ناگزیر بر اساس اسناد کذب ارائه شده از سوی اسرائیلی‌ها انجام می‌دهند. همچنین تلاش برای جایگزینی تهدید اتحاد جماهیر شوروی و پس از آن در دوره جورج بوش تغییر نظام در ایران را اصلی‌ترین دلیل بهسازی‌های آمریکا و اسرائیل برای ایجاد بحرانی ساختگی می‌داند. پورتر سردا متلاف‌نظر میان واشنگتن و تل‌آویو در مورد مذاکرات و وتوی هر پیشنهاد یا اتحاد معمولی را در مسیر توافق جدی می‌داند. او تأکید می‌کند که اسرائیل، ایران را تهدید و مانعی در مسیر تحقق اهداف خود در منطقه می‌داند.

پورتر آشکار می‌سازد که در جریان مصاحبه‌های خود برای نوشتن کتاب اخیرش از یکی از مقامات اطلاعاتی سابق آلمان، اطلاعاتی را دریافت داشته است که ثابت می‌کند اسرائیل اسنادی را جعل کرده و در سال‌های ۲۰۰۵،

۲۰۰۸، ۲۰۰۹ در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داده است. او اشاره می‌کند که عامل اطلاعاتی آلمان بعداً اظهار داشت که این اسناد جعلی بوده و از سوی گروهک منافقین در اختیار مقام‌های دستگاه‌های اطلاعاتی خارجی قرارداد شده و آن‌ها به سازمان بین‌المللی انرژی اتمی داده‌اند. او این نکته را افشا می‌کند که دیارتمان پادمان در این دوره زمانی (از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱) توسط دو فرد که شدیداً ضد ایران و طرفدار اسرائیل بوده و با موساد همکاری می‌نموده‌اند، اداره می‌شده است. او تأکید می‌کند: بحران ساختگی که حول برنامه هسته‌ای ایران شکل گرفت، موفق‌ترین خدشه و فریب بین‌المللی است که وی در رسانه‌های ایران به‌یاد می‌آورد.

بخش مهمی که پورتر در این کتاب مورد توجه قرار می‌دهد، فتوای مقام معظم رهبری درباره حرم سلاح کشتار جمعی است. او از فتوای رهبری ایران درباره حرام بودن طرح مسای به‌عنوان یک سند قانونی یاد می‌کند. او با رجوع به فتوای امام خمینی (ره) درباره عده کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ تحمیلی و فتوای مقام معظم رهبری مبنی بر حرام بودن سلاح هسته‌ای معتقد است نقطه‌عطفی در روند پرونده هسته‌ای ایران ایجاد شده که در حافظه تاریخی ثبت شده است. پورتر با تعجب این موضوع را مطرح می‌کند که چرا با وجود صدور این فتواها، سال‌هاست که رهبران سرپیچی می‌کرده‌اند. گفته‌های ایران را رد کنند و تصور دیگری به جهان القا کنند. او پیشنهاد می‌کند که فقهای اسلامی نقش اساسی بازی کنند و این فتواها را گسترش دهند.

پورتر تأکید دارد که فتوای مقام معظم رهبری درباره منبع ترسان سلاح هسته‌ای، یک سند قانونی است و این واقعیت عمیقاً برنامه هسته‌ای ایران را تحت تأثیر قرار داده، اما این فتوا در جهان غرب ناشناخته باقی مانده است. دولت آمریکا توانسته است با بیان اظهارات نادرست، اهداف پلید اسرائیلی‌ها را اجرا کند. وی اشاره می‌کند که سیاست خارجی ایران بر پایه مخالفت با استفاده

از سلاح‌های کشتار جمعی است. باید فتوای فقهای اسلامی در این باره برای تمامی جهان ارائه شود.

پژوهشگر آمریکایی همچنین خاطرنشان می‌کند، برای سال‌های متمادی، دولت‌ها و رسانه‌های غربی با جدیت تمام فتوای ضد هسته‌ای آیت‌الله خامنه‌ای را ندیده گرفته‌اند. این بی‌تفاوتی درست مانند برخوردی است که آن‌ها در برابر فتوای مشابه آیت‌الله خمینی (ره)، درباره منع سلاح‌های شیمیایی در طول جنگ عراق نشان داده‌اند. علاوه بر این فتوا، تعداد بی‌شماری مدرک وجود دارد که نشان می‌دهد که ایران در برنامه هسته‌ای خود به دنبال سلاح هسته‌ای نبوده است.

پورتر همواره به فواید لابی اسرائیل را بر روی مذاکرات مورد توجه قرار داده و اشاره می‌کند که بر این اساس آمریکایی‌ها با لفاظی‌های مخرب، پیشنهاد های هسته‌ای ایران را نادیده می‌گیرند. او، مواجهه و مقاومت ایران علیه بیانیه جان کری وزیر امور خارجه و پاسخ شدید مبنی بر این که ایران باید بخشی از برنامه‌های هسته‌ای خود را "تخریب" نماید و غوغای سیاسی منتج از آن را حاکی از آن می‌داند که تحت فشار اسرائیل انجام شده است. به این ترتیب اگر لفاظی‌های خشن آمریکا ادامه پیدا کند، موانع جدی در مسیر دستیابی به یک توافق جامع هسته‌ای می‌افزاید. وی در این ارتباط اشاره می‌کند که موافقت‌نامه نخستین بین ایران و آمریکا که در ژنو منعقد شد، قرار بود به مذاکرات مربوط به یک توافق‌نامه جامع هسته‌ای منتهی شود، اما بنا به دستورات مقامات آمریکایی در قرارداد هسته‌ای نهایی، به این موافقت‌نامه توجه کافی مبذول نشد.

پورتر به نکات دقیق‌تری نیز اشاره و تاکید می‌کند که لاوروف از پیش‌نویس اصلاح شده که در لحظه آخر توزیع شد، پرده برداشت و جزئیات حیاتی در مورد مذاکرات هسته‌ای با ایران را برملا کرد. او توضیح می‌دهد که چرا مذاکرات بیشین بدون رسیدن به توافق به پایان رسید.